



فرهنگیستان» از برنامه «دانشگاه، چالش یا راهکار» گزارش می دهد

# ماجرای سیاست، سیاست زدگی و استقلال در دانشگاه

**فرهنگیستان** گفت‌وگوی مجازی با عنوان «دانشگاه، چالش یا راهکار» چندی پیش با شرکت غلامرضا ظریفیان استاد دانشگاه تهران، محمود صادقی استاد دانشگاه تربیت مدرس، کارن ابری‌نیا استاد دانشگاه تهران، علینقی مشایخی استاد دانشگاه صنعتی شریف و ژاله حساس‌خواه استاد دانشگاه گیلان در بستر کلاب‌هاوس برگزار شد؛ برنامه‌ای که هرکدام از شرکت‌کنندگان نقطه‌نظرات خود را پیرامون شرایط امروز دانشگاه‌ها و راه‌های حل معضلات بیان کردند. در این گزارش خلاصه‌ای از صحبت‌های هرکدام از اساتید آورده شده است.

## دولتی بودن باعث عقب‌ماندگی در جذب دانشجوی خارجی شده است

عقب‌ماندن دانشگاه در داخل ایران شده. همان‌طور که شرکت‌های بزرگ مانند سونو و دیگر شرکت‌ها شکل می‌گیرند و باعث پیشرفت کشورشان می‌شوند، عامل پیشرفت دانشگاه‌ها در کشورهای مختلف خصوصی بودن آنهاست که باعث می‌شود در قوانین خاصی از دولت پیروی کنند. از عوامل اصلی عقب‌ماندن دانشگاه‌ها در ایران و عدم پیشرفت آنها این است که ما نتوانستیم دانشجویان زیادی را از همسایگان مان جذب کنیم تا با دادن شهریه اقتصاد ما را دگرگون کند. دانشجویان زیادی از کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس هرساله قراردادها عظیمی را با کشورهای اروپایی مانند انگلیس می‌بندند تا به آنجا برای تحصیل بروند و به کشورشان برگردند و اینکه ما از این بازار عقب مانده‌ایم به نظر من عامل اصلی، دولتی بودن دانشگاه‌ها در داخل ایران است.

### نقش دانشگاه حل‌مسائل جامعه‌پس‌روش‌های علمی است

در اینجا من به دو نکته اشاره می‌کنم؛ یکی ضرورت استقلال دانشگاه از نظر تصمیم‌گیری است. در دانشگاه‌ها تصمیمات مهمی راجع به برنامه‌های آموزشی و پژوهشی، جذب اعضای هیات‌علمی، ارزیابی علم و دانش در کشور بوده و معتمدی باید دانشگاه‌ها به‌خصوص خود دانشگاه‌ها طراز اول مان استقلال داشته باشند تا خودشان بهتر بتوانند آموزش‌شان را تنظیم و اداره کنند و جلو ببرند. استقلال دانشگاه‌ها با توجه به تجربه‌ای که در کشور دارد، به‌خوبی هم جواب داده است. موضوع دیگر اینکه اگر کیفیت دانشگاه‌ها که محل تولید فکر و دانش و تکنولوژی و روش‌های سازمان‌دادن به جامعه است پایین بیاید و دانشگاه‌ها عقیم شوند، این جامعه به اصطلاح آینده خوبی نخواهد داشت، یعنی اگر این فرآیند جذب اساتید خارج از فرآیند کنترل کیفی اتفاق بیفتد فقط دانشگاه‌ها افت نمی‌کنند، بلکه به‌دنبال نزول آنها، طبیعتاً بازسازی دانشگاهی که افراد با کیفیت کمی داشته‌باشند چالش و مشکل بزرگی خواهد شد.

البته وقتی می‌گوییم دانشگاه‌ها به کار علمی خودشان بپردازند، معنی آن این است که دانشگاه بریده از مسائل جامعه است و این در حالی است که اتفاقاً دانشگاه‌ها باید مسائل جامعه را درک کنند و اعم از مسائل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جامعه باید به‌طور علمی حل شود. این مسائل در جامعه امروز با روش‌های علمی حل می‌شود و این روش‌ها تنها در دانشگاه‌ها جاری است. به صورت کلی نقش دانشگاه‌ها که در مسائل جامعه یا روش‌های علمی است و نه بریده از جامعه. یعنی فکر می‌کنم که مسئولیت اجتماعی دانشگاه در این است که هدایت جامعه را از نظر علمی برای حل مسائل جامعه به عهده بگیرد. این مهم‌ترین مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌هاست، یعنی دانشگاه‌ها اگر به روش علمی درگیر حل مسائل جامعه خود شوند، مسئولیت اجتماعی خود را به‌خوبی ایفا کرده‌اند و اگر بخواهند زاویه پیدا کنند، ممکن است دانشگاه‌ها به مسائل سیاسی کشیده شوند و مسئولیت اجتماعی‌شان که خاص آنهاست و نهاد دانشگاهی باید این کار را کند و در تمام دنیا هم همین‌طور است، غافل خواهند شد.

## دانشگاه‌ها وجه سیاسی پیدا کرده‌اند

دارد. این پویایی موجب می‌شود که نوآوری ایجاد شود و نوآوری هم موجب پیشرفت و توسعه خواهد شد. دانشگاه مرکز اندیشه و تفکر است و تفکر تضاد ایجاد می‌کند، یعنی فکرهای مقابل را هم مطرح می‌کند و از دل آنها خلاقیت و نوآوری بیرون می‌آید، در نتیجه استقلال و آزادی دانشگاه از درجه اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. من فکر می‌کنم در کشورمان همیشه با این بحث مواجه هستیم که می‌خواهیم همه چیز را کنترل کنیم. دانشگاه تقریباً غیرقابل کنترل است، یعنی شما نمی‌توانید همان‌طور که سازمان‌های دیگر را کنترل می‌کنید، دانشگاه را هم کنترل کنید، چون دانشگاه یک سیستم پویایی در حال تغییر سرکش است. یک نکته دیگر این است که متأسفانه دانشگاه‌های ما مقداری وجهه سیاسی پیدا کرده‌اند که این برای نهادهای علمی خوب نیست. استقلال و آزادی نهادهای علمی به این دلیل باید باشد که آرامش و فرصتی در فضای آکادمیک ایجاد شود و افراد بتوانند کار خودشان را به‌درستی انجام دهند. به دلایل متعددی در کشور ما تا حدی دانشگاه‌های ما وجهه سیاسی پیدا کرده‌اند و این باعث شده کارکرد آنها تغییر کند.

دربرابر صحبت‌های خانم دکتر حساس‌خواه عرض کنم اگر دانشگاه می‌خواهد پویا و زنده باشد، باید استقلال و آزادی داشته باشد تا در آن صحن آزاد افکار و اندیشه‌ها بتوانند رشد کنند و با همدیگر در تعامل باشند. از بین این به اصطلاح برخورد‌های اندیشه‌ها و فکرها آن وقت خلاقیت‌ها ایجاد خواهد شد و در واقع توانمندی‌ای که ما در دنبال آن هستیم ایجاد می‌شود.

### علینقی مشایخی، عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف

من هم مقدمه‌ای درباره نقشی که دانشگاه‌ها در جامعه باید ایفا کنند، عرض کنم. دانشگاه‌ها واقعا محل تولید علم، تکنولوژی، فکر و اندیشه و موتور پیشرفت جامع است. جامع پیچیده‌امروزی با دستاوردهای علمی دانشگاه‌ها ساخته شده‌اند و این نقشی که دانشگاه‌ها داشته‌اند، در دوره بسیار مهم بوده است. یکی حوزه‌های سخت‌افزاری و فیزیکی. راه‌هایی که ساخته می‌شود، کارخانه‌هایی که به وجود می‌آیند، ساختمان‌هایی که بنا می‌شوند، حتی بیمارستان‌ها و روش‌هایی که افراد معالجه می‌شوند، همگی به‌طور واضح حاصل تلاش‌های جامعه دانشگاهی است. اگر دانشگاه‌ها فعال نبودند یا نباشند، چه در این جامعه و چه در هر جامعه دیگری، این چیزها ساخته نمی‌شوند. البته اینها فقط خروجی دانشگاه‌ها نیستند، بلکه جامع برای پیشرفت و حتی به‌کارگیری خروجی‌های فیزیکی دانشگاه هم به نرم‌افزار احتیاج دارند و اینها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی مثل اقتصاد، نظام حکمرانی، روانشناسی اجتماعی، علوم سیاسی و... شکل داده می‌شوند. این حوزه بستر نرم‌افزاری را شکل می‌دهند و دستاوردهای دانشگاهی محسوب می‌شود.

من معتقدم دانشگاه‌های ما در وجه کارهای سخت‌افزاری چون ملموس بوده، مثلاً تربیت مهندسان و پزشکان به‌خوبی جلو رفته‌اند، ولی در سامان‌دهی و نظام دادن جامعه که حاصل علوم انسانی و اجتماعی است، از دنیا عقب هستیم، درحالی‌که اگر این بخش به‌درستی سامان نگیرند، حتی پیشرفت در حوزه‌های جدید یا انجام نمی‌شود یا پیشرفت‌ها متوقف خواهد شد، یعنی فرضاً پزشکانی که تربیت می‌شوند، می‌روند. این دانشگاه چند دهه پزشک تربیت کرده که خارج از کشور هستند یا مهندسانی که رفته‌اند، چون نظام سامان‌دهی جامعه نیست که این افراد با ارزش و مولد را که صاحب فکر هستند، به کار گیرد و حرکت موتور پیشرفت جامعه را تسریع کند. در این حوزه ما از علوم و دستاوردهای بشری، چه در حوزه سخت‌افزاری و چه نرم‌افزاری دست استفاده نکرده‌ایم.

یکی از آقایان اشاره کردند که دانشگاه ما سیاسی می‌شود که وقتی این اتفاق می‌افتد، یعنی مرگ بر و زنده‌باد در این فضا مطرح شود و راجع به قدرت گرفتن یا از قدرت عقب‌زدن گروهی در آن فعالیت می‌شود. در این وضعیت شاید ماموریت اول دانشگاه به حاشیه رود اما سوال این است که چرا دانشگاه‌ها سیاسی می‌شوند؟ بالاخره دانشگاه دارد در فضایی فعالیت می‌کند و دانشجویان و اساتید شهروند جامعه و به شهروندان خارج از دانشگاه متصل هستند و پدیده‌هایی را که دور و برشان اتفاق می‌افتد، ملاحظه می‌کنند. اگر فضای بیرون فعالیت سیاسی را محدود کند، یعنی اگر مثلاً حزبی نباشند که رسماً نظر داشته باشند یا بحث و مردم را به خود جلب کنند، خلأ فعالیت‌های سیاسی دانشگاه‌ها را خواهد ناخواه به سمت سیاسی شدن سوق خواهد داد.

اساتید محترم به‌خوبی تشریح کردند که دانشگاه چگونه در ایران شکل گرفت و همه آنها چالش‌هایی که می‌تواند نگاه حاکمیتی و دولتی به دانشگاه داشته باشد و مسائلی که به همراه دارد را به‌درستی توضیح دادند، اما نکته‌ای که در صحبت‌های عزیزان بزرگوار مغفول ماند، نکته‌ای است که باعث پیشرفت دانشگاه‌های دیگر کشورها و سبب

### کارن ابری‌نیا، عضو هیات علمی دانشگاه تهران

ابتدا فکر می‌کنم لازم است چند کلمه درباره وضعیت دانشگاه‌ها در ۴۰ سال گذشته صحبت کنیم تا ببینیم روندی که دانشگاه‌های کشور و به‌طور کلی آموزش عالی در کشور داشته به چه نحوی بوده و الان کجا قرار داریم. تقریباً اوایل سال ۱۳۶۹ پس از پایان تحصیلاتم از خارج از کشور به ایران بازگشتم و وقتی وارد دانشگاه تهران شدم که هنوز افتخار خدمت در آنجا را دارم. دانشگاه بیشتر شبیه دبیرستان بود، چون مولفه‌هایی که در دانشگاه سراغ داریم واقعا در آنجا دیده نمی‌شد. آن زمان در دانشکده فنی دوره‌های ارشد را هنوز به‌خوبی راه‌اندازی نکرده بودیم یا دوره‌های دکتری را در رشته‌های کمی داشتیم. با این حال تقریباً در این ۳۲ تا ۳۳ سال گذشته، توسعه قابل ملاحظه و کمی و کیفی انجام شده، با وجود این حس می‌کنم در سال‌های اخیر از دانشگاه‌های دنیا خیلی فاصله داریم. باید دید چه مشکلات یا چالش‌هایی هستند که باعث می‌شوند این احساس وجود داشته باشد؟ یکی از مولفه‌هایی که دانشگاه‌ها را با دیگر نهادها بسیار متفاوت کرده و از آن با عنوان موتور توسعه نام برده می‌شود، پویایی دانشگاه است. قلعاً پویایی‌ای که در دانشگاه هست، زاینده خلاقیتی است که در فعالیت‌های دانشی و پژوهشی و آموزشی اساتیدان و دانشجویان وجود



دو شاخص انتشار و جذب دانش با وجود بهتر شدن رتبه، وضعیت ما نامطلوب است. شاخص بعدی توسعه، بهره‌وری است، یعنی استفاده حداکثر از منابع با حداقل هزینه و در این حوزه هم ما به صورت میانگین پایین‌تر از کشورهای OECD هستیم. سهم آنها در این بخش ۶۳٫۴ درصد و سهم ما ۴۷٫۸ درصد است. همچنین فقط ۱٫۸ درصد پایان‌نامه‌هایی که انجام شده، مورد تقاضای کشور است.

### ترکیب هیات‌امانی دانشگاه‌ها ترکیب دولتی است

عنوان این جلسه «دانشگاه؛ چالش یا راهکار» است؛ مادامی که چالش‌هایی که به عدم استقلال دانشگاه‌ها منتهی می‌شود، حل نشود، شاید راهکارها خیلی نتوانند مثمرتر باشند. متأسفانه مشکلی که وجود دارد این است که قوانین شفاف نیستند و قابل تفسیرند و همین مساله باعث شده تا در واقع دانشگاه‌ها از یک مجری و رئیس دولت می‌توانست یک پادگان نظامی کند و رئیس دولت دیگری فضا را بازتر کند. این وضعیت تنها به دلیل وجود خلأ قانونی یا در واقع نقض قانون ایجاد می‌شود و می‌بینیم هیات‌های امنای دانشگاه‌ها که باید بر دانشگاه نظارت کنند، وظیفه‌شان را درست انجام نمی‌دهند. اگر ما به ترکیب هیات‌امنا نگاه کنیم، جالب است. وزیر هست، رئیس دانشگاه هست، تا ۶ تن شخصیت علمی، فرهنگی، اجتماعی هستند و یک نفر هم معاون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور است. در واقع آن ۴ تا ۶ تن شخصیت علمی، فرهنگی، اجتماعی هم با نظر وزیر انتخاب می‌شوند و معمولاً از دانشگاهیان عضو کابینه هستند، یعنی در واقع ترکیب هیات‌امنا، ترکیب دانشگاهی نیست، بلکه ترکیب دولت است و دولت آنجا وجود و حضور دارد.

مساله دیگری که استقلال دانشگاه‌ها را مورد خدشه قرار می‌دهد، فقدان اعتمادی است که بین جامعه دانشگاهی و قدرت عمومی وجود داشته که همان منجر به انقلاب فرهنگی شده و الان متأسفانه دانشگاه‌ها ما اگر چه از بسیاری جهات تابع وزارت علوم است، ولی وزارت علوم به مسائلی که باید نظارت کند، چندان ورود نمی‌کند و بیشتر در جهاتی ورود می‌کند که جزء وظایف ذاتی اش نیست. به‌طور مثال وزارت علوم در بحث آزمون پذیرش دانشجویان دوره‌های دکترا ورود کرده اما به‌طور مثال درباره ترفیع و ارتقای اساتیدان کسانی تصمیم می‌گیرند که برنامه‌ها یا سختگی و جامعیت لازم برخوردار نیست و در اینجا این وزارت علوم ورود نمی‌کند.

طبیعتاً دانشگاه‌ها باید خودگردان باشند و بتوانند برای خود برنامه‌ریزی و اجرا و ارزیابی داشته باشند. متأسفانه در دانشگاه‌های ما مدیر دانشگاه این اختیار را ندارد و تقریباً ۸۰ درصد بودجه حقوق و دستمزد است که از طرف دولت پرداخت می‌شود و مدیر دانشگاه در واقع مدیر هزینه است و همه شاهد هستیم که آخر سال مدیر باید برود برنامه و بودجه و آنجا بنشیند یا نمایند‌اش را به آنجا بفرستد که بتواند پول برای دانشگاهش بگیرد، یعنی در واقع ساختار طوری طراحی شده که دانشگاه نتواند به کار خودش ادامه دهد. من فکر می‌کنم همه این عواملی که باعث شده استقلال دانشگاه‌ها کم شود و اختیارشان را از دست بدهند و کانون‌های تصمیم‌گیری برای دانشگاه زیاد شوند.

## به مباحث زیربنایی حقوقی در نظام آموزش عالی وارد نشده‌ایم

حقوق در دنیا این مساله یک حوزه درسی شده و به‌عنوان یک شاخه حقوقی دیده می‌شود. بحث‌هایی مثل حق آزادی علمی به‌عنوان مثال آزادی بیان و تحقیقات در این حوزه باید دیده شود و به‌عنوان حقوق بنیادین افراد شناخته می‌شود. به‌طور کلی حق آموزش و پرورش برای عامه مردم از دوره مشروطه در قانون اساسی آمد و در قوانین راه پیدا کرد. مباحثی مثل حق دسترسی به آموزش به‌طور رایگان هم در مقاطعی در اصل ۳۰ قانون اساسی ما هم مطرح شده و در حوزه حقوق آموزش مطرح می‌شود. بحث‌های مربوط به برابری جنسیتی در آموزش یا نابرابری جنسیتی در آموزش یا مسائل مربوط به این حوزه در اینجا مطرح می‌شوند. درباره نظام آموزشی اعم از دولتی یا غیردولتی و اینکه بخش خصوصی وارد شود یا نشود در همین جا صحبت می‌شود و بحث نظام اداره آموزش و پرورش و مدیریت آن است و حدود اختیارات دانشگاه‌ها و آموزش عالی و استقلال مدیریتی دانشگاه‌ها از دولت اینجاست. ما متأسفانه به این مباحث زیربنایی حقوقی اصلاً داخل نشده و ورود نکرده‌ایم. البته به بحث‌های انضباطی و انتظامی و بحث تنبیهات خوب پرداختیم و این خواست یک دوره یا دولت نیست و از اوایل دهه ۶۰ قانون و مقررات انتظامی اعضای هیات‌علمی که الان اجرا می‌شود، تصویب شده است.

## آزادی آکادمیک را باید شش حیاتی دانشگاه‌ها دانست

قبل و چه بعد از انقلاب به این سه‌گانه ذاتی دانشگاه اهتمام خاص نوززیده است. متأسفانه امروز دو اتفاق در حال رخ دادن است؛ یکی اینکه بخشی از سرمایه‌های ما به کشورهای دیگر می‌روند، البته نه حتی کشورهای پیشرفته، بلکه کشورهای منطقه هم به شدت نیروهای توانمند ما را جذب می‌کنند و یک بخش از دانشگاهی‌ها هم به درون خویش تبعید می‌شوند. با این نگاه نه فقط امروز توسعه‌مان به شدت آسیب می‌بیند، بلکه به نظر من فردای ما، که به سرعت داریم به آن پرتاب می‌شویم، حتی در تطبیق با کشورهای منطقه، نمودارهای توسعه ما به شدت کاهش پیدا می‌کند و آینده‌مان به این نگاه آسیب خواهد دید. اگر می‌خواهیم بدانیم آینده جهان کجا است، باید ببینیم که نیروی نخبه و سرمایه دارد کجا می‌رود. آینده آنجایی است که نیروی نخبه و سرمایه می‌رود. اگر می‌خواهیم ببینیم مشکلات اساسی کشور ما کجاست، باید ببینیم کجا پیوند توسعه علمی ما با توسعه ملی ما برقرار نشده که ما ۵٫۸ برابر دنیا انرژی مصرف می‌کنیم و بحران آب، نیست زمین و سرمایه اجتماعی داریم. راهکار حل این مشکلات هم برگشت به توسعه علمی است که شرط بقا هم محسوب می‌شود. باید که دانشگاه به خود دانشگاهیان سپرده شود و مسئولان مطمئن باشند که آنها تضمین می‌کنند مانند گذشته ایران را آن گونه که بایسته و شایسته است، بسازند.

### ژاله حساس‌خواه، عضو هیات علمی دانشگاه گیلان

صحبت‌هایم را در دو بخش تنظیم کرده بودم که بخش اول آن بررسی گذشته و حال آموزش عالی در ایران و بخش دوم دانشگاه، چالش یا راهکار آینده آموزش عالی است. مهم‌ترین معیاری که در حال حاضر با آن دانشگاه‌هایمان را ارزیابی می‌کنیم، تعداد مقالات است اما حتی در همین حوزه هم سهم ایران در مجموع مقالات منتشر شده یا تعداد ارجاعات در مقایسه با کشورهای دیگر بسیار کم است، به‌طوری‌که از یک‌نیم درصد مقالات چاپ شده و نیم‌درصد ارجاع مقالات آن طرف‌تر نمی‌رود. دنیا به این نتیجه رسیده که توسعه علمی کلید توسعه پایدار است، از این رو ما هم باید تامل کرده و آموزش عالی کشورمان را سنجش و ارزیابی کنیم. امروز شاهد جهانی‌سازی شدن و بین‌المللی شدن و بین‌المللی‌سازی دانشگاه‌ها و تغییرات فناوری و پیرامون آموزش عالی در دنیا هستیم و تصور می‌کنم بهتر است آموزش عالی کشور را در قالب یکی از چهارچوب‌های بین‌المللی بسنجیم. یکی از مهم‌ترین مراجعی که برای سنجش ابعاد مختلف توسعه شناخته می‌شود، OECD یا سازمان همکاری و توسعه اقتصادی است که کارگروه آموزش هم دارد. در حوزه آموزش من دو دسته شاخص دیدم؛ یکی برای توسعه آموزش عالی و دیگری برای کیفیت و کارآمدی. این سازمان در حوزه توسعه آموزش عالی و توسعه پایدار، شش شاخص را تعریف کرده که یکی از آنها شاخص ارتباط است. به این معنی که آموزش عالی چقدر در نیازهای جامعه، بازار کار، دولت و سیاست‌ها همخوانی دارد. آمار نشان می‌دهد که ارتباط آموزش عالی در ایران پایین‌تر از کشورهای OECD است. کشورهای OECD به‌طور میانگین ۶۲٫۴ درصد ارتباط را نشان می‌دهند اما در ایران این عدد ۴۷٫۳ درصد است. این در حالی است که نرخ ناخالص ثبت‌نام ما در ایران در برابر کشورهای دیگر چندین برابر افزایش یافته و جالب است که در سال ۲۰۲۱ تعداد دانشگاه‌های ما از ژاپن، فرانسه و آلمان بیشتر است و نسبت دانشجوی به استاد در بازه‌های افزایش یافته و بعد کاهش پیدا کرده و جمعیت بیکار فارغ‌التحصیل ما هم بسیار افزایش یافته است. شاخص دوم در بحث توسعه پایدار هماهنگی بوده است، یعنی چقدر هماهنگی و همفکری بین دستگاه‌های مسئول و ذی‌نفعان آموزش عالی در تعیین اهداف، راهبردها، برنامه‌ها، منابع و فعالیت‌های آموزشی وجود دارد. اینجا هم اگر به شاخص‌ها نگاه کنیم، میانگین کشورهای OECD ۶۷٫۳ درصد است، ولی در آموزش عالی ایران این عدد به صورت میانگین ۴۶٫۴ درصد است. شاخص سوم در توسعه پایدار، موثر بودن است، اینکه چقدر آموزش عالی با اهداف و نتایج مورد نظر با استفاده از منابع و فعالیت‌هایش توانسته به آنها برسد. میانگین ایران در این شاخص ۵۰٫۱ درصد و برای کشورهای OECD ۶۹٫۲ درصد بوده است. رتبه ایران در تولید آثار و مستندات علمی به نقل از دکتر مهدوی که در یک سخنرانی برای انجمن اسلامی مدرسین گزارش داده‌اند در بازه ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ ۱۲ پله رشد داشته، ولی در



### محمود صادقی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

بحث‌های مقدماتی را دوستان فرمودند. من هم به‌عنوان مقدمه یک نکته‌ای را گذرا عرض می‌کنم. در چهار دهه گذشته در جهاتی رشد نسبتاً شتابانی هم داشتیم، مثلاً در بحث کمی، تعداد دانشجویان از حدود زیر ۲۰ هزار نفر به بالای چهار میلیون یا چهار و نیم میلیون نفر رسیده و تعداد مراکز علمی و همچنین مقاطع تحصیلات تکمیلی قابل قیاس با رشته نیست. در حوزه تحصیلات آموزش عالی و زبان در بعد از انقلاب رشد چشمگیری داشتیم اما در عین حال باید دید چه نقاط ضعفی داریم، یعنی از یک طرف ما رشد کمی را داریم اما از طرفی باید دید آیا کیفیت به اندازه لازم و استاندارد جهانی رعایت شده یا نه! اگر به فرض در حوزه آموزش عالی زنان را لحاظ کمی و حتی کیفی موفقیت‌هایی داشتیم، باید ببینیم در کنارش چه چالش‌هایی ایجاد شده است. یکی از مسائلی که ما در حوزه آموزش عالی روی آن کار درستی نکرده‌ایم و لازم است کار انجام شود، بحث نظام حقوقی آموزش عالی است. در بعضی از دانشکده‌های



### غلامرضا ظریفیان، عضو هیات علمی دانشگاه تهران

بعد از دارالمعلمین، ایجاد دانشگاه تهران را باید به‌عنوان نقطه آغازین دانشگاه مدرن در ایران مطرح کرد. به‌ر حال دانشگاه به دلیل ویژگی‌های دنیای مدرن یک ماهیت کاملاً متفاوت و مجزا دارد، یعنی سرشتی جهانی دارد. اساتید دانشگاه در عین حال که در نظام حکمرانی هر جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد با نظام حکمرانی آن دادوستدی دارد؛ با این حال به دلیل ویژگی‌های ذاتی، خودگردان بوده و خودش این توانایی و صلاحیت را دارد که به لحاظ مالی، استخدامی، تعیین سلیبس‌های درسی، قواعد و قوانین لازم خودگردان باشد، اصلاً شش حیاتی دانشگاه، آزادی آکادمیک است. سه ویژگی یعنی سرشت جهانی داشتن، خودگردان بودن و آزادی آکادمیک از ویژگی‌های ذاتی دانشگاه است. متأسفانه در بستر شکل‌گیری دانشگاه از دانشگاه تهران تا امروز با وجود فراز و نشیب‌هایی که کشور در عرصه نهاد علم داشته است و با وجود تلاش دانشگاه هیچ‌گاه نظام حکمرانی چه

